



شهادت آیت الله قاضی طباطبایی اولین شهید محراب

10 آبان ماه، سالروز شهادت اولین شهید محراب، آیت الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی است.

10 آبان ماه، سالروز شهادت اولین شهید محراب، آیت الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی است.

وی از شاگردان امام خمینی(ره)، آیت الله سیدمحسن حکیم(ره)، آیت الله سیدابوالقاسم خوی(ره)، آیت الله حاج شیخ عبدالحسین رشتی(ره)، و آیت الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء(ره) بود.

اقامت در نجف و استفاده های علمی و معنوی از حوزه علمیه را می توان از بهترین و شاداب ترین روزگاران عمر آیت الله قاضی طباطبایی به حساب آورد. در آن ایام بهاران، با شور و شوق به تحکیم مبانی فکری خود پرداخت و به درجات عالی فقاقت و اجتهاد رسید و از مراجع بزرگی مثل آیت الله حکیم و آیت الله کاشف الغطاء و دیگران به اخذ اجازه اجتهاد نایل آمد.

آیت الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی در سن 42 سالگی با کوله باری از علم و دانش و معرفت، حوزه نجف را پشت سر گذاشت و به سوی زادگاه خود شهر تبریز رهسپار شد تا به وظایف بس سنگین خود، در جهت اشاعه فرهنگی غنی و پویای آیین حیات بخش اسلام بپردازد.

نامه آیت الله کاشف الغطاء به آیت الله قاضی طباطبایی

استاد بزرگوارش آیت الله کاشف الغطاء در یکی از نامه های خود، خطاب به آیت الله قاضی چنین می نویسد: «ای سید بزرگوار و ای دانشمند والا مقام ... ما از حالا می بینیم که مردم آذربایجان عموماً و اهالی تبریز خصوصاً از راهنمایی ها و ارشادات شما بهره مند می شوند و چه زود است تأثیر خدمات ارزنده شما در نصرت حق و از بین بردن باطل محسوس و ملموس باشد و در یاری و کمک از حق چه (کسی) بهتر و مقدم تر از شما است؟»

نقش آیت الله قاضی در سال 1342

سال 1342 شمسی در تاریخ ایران، سالی است به یاد ماندنی و خاطره انگیز، سالی که بزرگ رهبر مستضعفان جهان با خروش بی امان خود چنان موج بنیان کنی به راه انداخت که می رفت برای همیشه نظام ستم شاهی را به زباله دان تاریخ بسپارد.

این بار امام بزرگوار عروسک های خیمه شب بازی حکومت پهلوی را به هیچ انگاشته، همچون عقاب تیز پرواز، ام الفساد جهانی را در نوک حمله خود قرار داد و با هجوم برق آسا، پنجه های پولادین و دشمن شکار خویش را بر سر آمریکا فرود آورد.

به دنبال آن یاران با وفای آن امام آزادگان، به تبعیت از وی در سراسر کشور قد علم کردند و پرچم جهاد و مبارزه برافراشتند. در این مبارزه بی امان، مجاهد نستوه آیت الله قاضی طباطبایی سهم به سزایی در برانگیختن احساسات پاک مردم داشت.

وی با سخنرانی های آتشین و پخش اعلامیه های ضد رژیم، مردم قهرمان تبریز را به صحنه پیکار آورد و با این عمل شجاعانه خود، شعله بر خرمن دشمن انداخت و حال زارشان را پریشان تر ساخت.

طاغوتیان به خوبی می دانستند، قیام آذربایجان یعنی به حرکت در آمدن کل ایران و این همان کابوسی بود که دژخیمان همواره از آن وحشت داشتند.

دستگیری آیت الله قاضی طباطبایی

در پی جوش و خروش امت مسلمان، مرکز نشینان سازمان ضد امنیت با هماهنگی «علی دهقان» استاندار وقت آذربایجان، و «حسن مهرداد» رئیس ساواک تبریز، آیت الله سیدمحمدعلی قاضی را دستگیر و به پادگان زرهی تهران بردند و بعد از آن به سیاهچال مخوف قزل قلعه تحویل دادند که دو ماه و نیم ماندگار شدند و بعد از آزادی از زندان هم کسی حق رفت و آمد و تماس با ایشان را نداشت و همواره زیر نظر و مراقبت شدید مأموران ساواک بود و در تهران به عنوان تبعیدی زندگی می کرد.

آیت الله قاضی به خاطر مبارزات بی امانش، سال هایی از عمر پر برکت خود را در زندان ها و تبعیدگاه ها سپری کرد که یکی از محل های تبعید وی بافت کرمان بود.

ماجرای تبعید آیت الله قاضی به بافت کرمان

روز سی ام آذر ماه 1347 شمسی مصادف با عید سعید فطر بود، در شهر تبریز نماز عید فطر در جو معنوی به امامت عالم ربانی حضرت آیت الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی برگزار شد.

وی که هیچ فرصتی را از دست نمی داد، از این اجتماع با شکوه نهایت استفاده را کرد و بر علیه سردمداران رژیم سخنرانی کرد و ضمن گفتار آتشین نقاب از چهره کریه رژیم پهلوی بر گرفت و روابط خفت بار دولت با رژیم غاصب و نامشروع صهیونیستی را محکوم کرد، غروب همان روز برای اداء نماز مغرب و عشاء به مسجد شعبان تشریف آوردند و بعد از نماز و پاسخ به ابراز احساسات مردم از مسجد خارج شد.

هنوز چند قدمی از در مسجد دور نشده بود که مزدوران وی را احاطه کردند و با اجبار سوار ماشین کردند و سپس او را به بافت کرمان تبعید کردند.

ادب کردن مأمور ساواک

بعد از اسکان در بافت کرمان، هر روز یک مأمور ساواک جهت حضور و غیاب تبعیدی به محل سکونت او سر می کشید. اتاقی که آیت الله قاضی در آن، روزهای تنهایی می گذراند، یک اتاق کوچک و محقری بود که از سطح حیاط دو پله پایین تر بود، مأمور ساواک طبق تعلیماتی که از طرف سازمان به او داده شده بود، با گستاخی و تبختر رفتار می کرد و برای اینکه زور و حاکمیت دستگاه را به رخ تبعیدی کشیده باشد، به جای وارد شدن از در اتاق، با کفش از پنجره می پرید وسط اتاق و با حالت غرور و خود خواهی و صدای خشن و ناهنجار دستور می داد زود باش امضا کن ...

چند روز بدین منوال گذشت و آیت الله قاضی چند بار به ایشان تذکر داد که ادب را رعایت کند، ولی آن بی ادب گوشش بدهکار نبود و دست از کار بی شرمانه خود بر نمی داشت.

روزی هنگامی که آن مزدور با همان رفتار پست همیشگی به وسط اتاق پرید، سید دلاور بلافاصله کتاب سنگین و ضخیم «المنجد» را برداشت و محکم بر پس گردن مأمور کوبید و فریاد زد: بی ادب! مگر نگفتم مؤدب باش ...

مأمور مغرور و خود باخته، با زبونی و ترس از اتاق بیرون رفت و آیت الله قاضی با این عمل شجاعانه خود بار دیگر ثابت کرد که سر نیزه در مقابل نیروی پر توان ایمان و استقامت محکوم به شکست است.

بعد از بافت کرمان، آیت الله قاضی را به زنجان تبعید کردند و بعد از اتمام آن به تبریز مراجعت کرد.

توضیح عالمانه آیت الله قاضی درباره سجده بر تربیت امام حسین(ع) به جوانان اهل سنت

آیت الله قاضی یکی از عالمان روشن بین و ژرف نگری بود که همیشه بر وحدت اسلامی تأکید داشت و در فرصت های مناسب با رفتار مدبرانه در جهت تحقق بخشیدن هر چه بیشتر وحدت بین مسلمانان جهان می کوشید.

وی می گوید: «یاد دارم در زمانی که از سوریه برگشته وارد عراق شدم و غروب نزدیک بود، توقف کردیم که نماز مغرب ادا کنیم و حرکت کنیم، وضو گرفته در صحن خانه وسیعی حصیر انداخته خواستم مشغول نماز باشم، دیدم عده ای از جوانان اهل تسنن آمدند و در چند قدمی ایستادند، فهمیدم که می خواهند بدانند که چطور سجده خواهیم کرد! من هم در موقع سجده پیشانی را بر بالای حصیر گذاشتم و سایر رفقا نیز اغلب از من تبعیت کردند، بعد از فراغت از نماز چند نفر

از آن ها جلوه آمده از حقیقت سجده بر تربت کربلا که بعضی از همراهان نماز گذاشته بودند، سؤال کردند، واقع امر را به آن ها بیان کردم، بسیار قانع شده و امتنان به جا آوردند و اظهار کردند که به ما جور دیگر تلقین کرده اند».

آیت الله قاضی در سنگر جمعه و جماعت

در مرداد ماه 58 طی حکمی از سوی رهبر کبیر انقلاب، آیت الله قاضی به عنوان نماینده تام الاختیار و امام جمعه تبریز منصوب شد و همه هفته با حضور در مراسم با شکوه نماز جمعه به ایراد خطبه و ارشاد و راهنمایی مردم پرداخت.

آیت الله قاضی اولین شهید محراب/آرزوی آیت الله قاضی بعد از شنیدن خبر شهادت آیت الله مطهری

هنوز شش ماه از طلوع انقلاب شکوهمند اسلامی نگذشته بود که ستاره درخشانی از آسمان پر فروغ علم و فقاقت غروب کرد. این بار دست پلید استکبار جهانی از آستین کثیف، گروهک منحرف فرقان بیرون زد و ناجوانمردانه استاد بزرگ حوزه و دانشگاه آیت الله مطهری را به شهادت رساند ...

وقتی خبر شهادت مظلومانه استاد مطهری به گوش آیت الله قاضی رسید، بسیار متأثر شد و همواره به اطرافیان خود می گفت: کاش بنده هم مثل استاد مطهری، روزی به شهادت برسم.

آیت الله قاضی، سر انجام بعد از عمری مجاهدت و تعلیم و تربیت و نویسندگی، به تاریخ 10 آبان ماه 1358 در حالی که روز عید قربان نماز عید خوانده بود به هنگام شب، بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد شعبان، قربانی دین خدا شد و بار دیگر گروه فرقان با این جنایت هولناک، دل امت و امام را جریحه دار ساخت.

فردای آن روز مردم مصیبت زده آذربایجان در حالی که سیل اشکشان جاری بود و قلب شان را غم و اندوه فرا گرفته بود، پیکر پاک آن شهید را تشییع کردند و در آرامگاه خانوادگی واقع در مسجد مقبره بازار تبریز به خاک سپردند.

امام خمینی(ره) در پیام شهادت آیت الله قاضی نوشتند:

«بسم الله الرحمن الرحيم»;

إنا لله وإنا إليه راجعون»;

با کمال تأسف ضایعه ناگوار شهادت عالم مجاهد، حجت الاسلام والمسلمین، آقای حاج سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی- رحمة الله علیه- را به عموم مسلمانان متعهد و علمای اعلام مجاهد و مردم غیور مجاهد آذربایجان و خصوص بازمانندگان این شهید سعید تسلیت عرض و از خداوند متعال صبر انقلابی برای مجاهدین راه حق و اسلام خواستارم.

ملت عزیز برومند ایران و آذربایجانیان غیرتمند عزیز باید در این مصیبت های بزرگ که نشانه شکست حتمی دشمنان اسلام و کشور و عجز و ناتوانی و خودباختگی آنان است، هر چه بیشتر مصمم و در راه هدف اعلاای اسلام و قرآن مجید بر مجاهدات خود افزوده و از پای ننشینید، تا احقاق حق مستضعفین را از جباران زمان بنمایند.

عزیزان من، در انقلابی که ابرقدرت ها را به عقب رانده و راه چپاولگری آنان را از کشور بزرگ بسته است، این ضایعات و ضایعات بالاتر، اجتناب ناپذیر است.

ما باید از کنار این وقایع با تصمیم و عزم و خونسردی بگذریم؛ و به راه خود - که راه جهاد فی سبیل الله است - ادامه دهیم.

شهادت در راه خداوند زندگی افتخارآمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت هاست. ملت های مسلمان باید از فداکاری مجاهدین ما در راه استقلال و آزادی و اهداف مقدسه اسلام بزرگ الگو بگیرند؛ و با پیوستن به هم سد استعمار و استثمار را بشکنند و به پیش؛ به سوی آزادی و زندگی انسانی بروند.

از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و رحمت و مغفرت برای شهدای راه حق و شهید سعید طباطبایی خواستارم».